

A Jurisprudential and Economic Study of Entrepreneurship in Islamic Banking; Based on a New Reading of the Theory of Sharia Objectives in the Framework of Imami Jurisprudence

 **Hossein Fayyaz** / PhD Research Fellow in Economics, Institute of Higher Education in Islamic Humanities, Al-Mustafa International University h_fayyaz@yahoo.com

Mohammad Saeed Panahi Boroujerdi / Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaie University ms_panahi@atu.ac.ir

Mohammad Bidar Parchin Olia / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute bidarparchin@iki.ac.ir

Received: 2025/04/02 - **Accepted:** 2025/07/21

Abstract

Whenever bank resources are injected into subsidiaries, the bank will not be able to provide facilities to other applicants, and this action (bank entrepreneurship) will cause other economic enterprises to be driven out of the market and a kind of monopoly will be created. The purpose of this research is to examine the legitimacy of bank entrepreneurship based on the theory of Sharia Objectives. Based on the research hypothesis, bank entrepreneurship is incompatible with the objectives of Sharia and is therefore prohibited. This research has reached the following conclusions using an analytical-ijtihadi method and using the opinions of jurists: First, the objectives of Sharia have a “same” relationship with the criteria of rulings (benefits and harms) and is used in the process of inferring and extracting Sharia rulings; Second, because bank entrepreneurship causes economic injustice, the closure of production enterprises, the devaluation of the national currency, and disruption of the economic and political system, and this is incompatible with the objectives of Sharia as the criteria of rulings; therefore, it is prohibited in the Islamic banking system.

Keywords: Banking jurisprudence, Islamic banking, Bank entrepreneurship, Commercial banks, objectives of Sharia.

JEL classification: G24, Z12, H81, Y40.

بررسی فقهی اقتصادی بنگاهداری در بانکداری اسلامی بر اساس خوانشی جدید از نظریه مقاصد شریعت در چارچوب فقه امامیه

حسین فیاض  / دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصاد مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی

h_fayyaz@yahoo.com

ms_panahi@atu.ac.ir

bidarparchin@iki.ac.ir

محمدسعید پناهی / استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

محمد بیدار برجین علیا / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

چکیده

هرگاه منابع بانک به شرکت‌های تابعه تزریق شود، بانک توان تسهیلات‌دهی به سایر متقاضیان را نخواهد داشت، و این عمل (بنگاهداری بانک‌ها) باعث می‌شود که سایر بنگاه‌های اقتصادی از بازار بیرون رانده شده و نوعی انحصار به وجود آید. هدف این پژوهش بررسی مشروعیت بنگاهداری بانک‌ها بر اساس نظریه مقاصد شریعت است. بر اساس فرضیه پژوهش، بنگاهداری بانک‌ها ناسازگار با مقاصد شریعت و در نتیجه ممنوع است. این پژوهش با شیوه تحلیلی - اجتهادی و با استفاده از نظرات فقها به این نتایج رسیده است: اولاً مقاصد شریعت با ملاکات احکام (مصالح و مفاسد) رابطه «این همانی» داشته و در فرایند استنباط و استخراج احکام شرعی کاربرد دارد؛ ثانیاً به دلیل اینکه بنگاهداری بانک‌ها سبب بی‌عدالتی اقتصادی، تعطیلی بنگاه‌های تولیدی، کاهش ارزش پول ملی و اخلاف در نظام اقتصادی و سیاسی می‌گردد و این با اهداف و مقاصد شریعت به‌عنوان ملاکات احکام ناسازگار است؛ پس در نظام بانکداری اسلامی ممنوع می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فقه بانکداری، بانکداری اسلامی، بنگاهداری بانک، بانک‌های تجاری، مقاصد شریعت.

طبقه‌بندی JEL: G24, Z12, H81, Y40

مقدمه

بانک یک نهاد اقتصادی است که وظیفه تجهیز و تخصیص منابع، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خریدوفروش ارز، نقل و انتقال وجوه، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتری‌ان و وظایف پرشمار دیگری را بر عهده دارد. آمارها نشان می‌دهد که قدرت وام‌دهی بانک‌ها کاهش یافته است و دلیل این کاهش، نگاه‌داری و سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات است و با رکود بازار املاک و مستغلات، منابع بانکی منجمد شده است. اگر این منابع به سمت فعالیت‌های مولد و پربازده هدایت شود، می‌تواند موجبات اشتغال‌زایی و خروج از رکود و به تبع رشد اقتصادی را فراهم آورد.

از طرف دیگر، ورود بانک‌ها به عرصه نگاه‌داری، آنها را به رقیبان بزرگ برای تولیدکنندگان خرد تبدیل کرده است؛ زیرا بانک‌ها بخش اعظم منابع را به شرکت‌های زیرمجموعه خود اختصاص می‌دهند. فعالیت‌های غیربانکی بانک‌ها و ورود آنها به نگاه‌داری به یکی از مشکلات جدی اقتصاد بدل شده است؛ تا جایی که رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این حوزه ورود کرده و خواستار «خروج بانک‌ها از نگاه‌داری شدند». اما پرسش این است که چه عواملی سبب شده است که بانک‌ها به نگاه‌داری روی آورند؟ ورود بانک‌ها به نگاه‌داری چه پیامدها و نتایج منفی برای اقتصاد دارد؟ نهایت اینکه از قواعد عمومی معاملات و نظریه مقاصد شریعت در این مسئله چه استفاده‌ای می‌شود؟ مقاصد شریعت در استنباط فقهی چه جایگاهی دارد؟ مقاصد شریعت چه رابطه‌ای با ملاکات احکام دارد؟ آیا نگاه‌داری توسط نظام بانکی جواز دارد و یا ممنوع است؟

فرضیه تحقیق: با توجه به پذیرش فی‌الجملة مقاصد شریعت در فقه امامیه و نقش سندانگاری آن در فرایند استنباط احکام توسط عده‌ای از فقهای امامیه، می‌توان این‌گونه بیان کرد که نگاه‌داری بانک‌ها در نظام بانکداری اسلامی جواز ندارد.

روش تحقیق: این تحقیق به جهت هدف بنیادی به حساب می‌آید؛ زیرا تلاش دارد یک مؤلفه مهم و اساسی در فرایند استنباط معرفی کرده و در مسیر دانش اجتهاد توسعه حاصل گردد، اما از جهت نوع اطلاعات گردآوری‌شده، این تحقیق کتابخانه‌ای است.

۲. مفاهیم

۲-۱. شریعت

این واژه در اصل به معنای «راه ورود به آب» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۵). در متون دینی همگن با واژه‌های شرع و شریعه، به معنای دین یا قریب به آن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۰). شریعت برنامه و راهی است که برای امتی یا پیامبری ابلاغ شده؛ از این‌رو گفته می‌شود شریعت نوح علیه السلام، شریعت ابراهیم علیه السلام، شریعت موسی علیه السلام، شریعت عیسی علیه السلام و شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اما دین راه و سنتی الهی برای همه امت‌ها و ملت‌هاست؛ از این‌رو شریعت نسخ می‌شود، اما دین نسخ نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۷۴).

۲-۲. مقاصد شریعت

مقاصد شریعت عبارت است از: مصلحت‌های دنیوی و اخروی برای بندگان که خداند بزرگ از تشریع اسلام همان مصالح را قصد کرده است. این اصطلاح به شکل‌های گوناگون استعمال شده است: مقاصد الشارع، مقاصد الشریعۀ و مقاصد الشرعیۀ؛ کلاً تستعمل بمعنی واحد (ریسونی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷). نوشته‌اند: «مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و اسراری است که شارع، برای هریک از احکام وضع نموده است» (فاسی، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۳). برخی گفته‌اند که مقاصد شریعت همان غایاتی است که شریعت برای تحقق آنها در جهت مصلحت مردم، وضع کرده است (حسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۷). آیت‌الله تسخیری می‌گوید: «مقاصد شرعیه علمی است که در پیوند با تشریع قرار دارد و از اهداف کلی یا هدف‌های مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام، سخن می‌گوید» (تسخیری، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

در تعاریف فوق از نقش کشفی و اعتبار احتجاجی مقاصد شریعت سخنی به میان نیامده است، مناسب است در تعریف «مقاصد شریعت» نقش سندی آن لحاظ گردد.

تعریف مقاصد شریعت

مقاصد شریعت همان ملاکات احکام است که در فرایند استنباط احکام شرعی کارکرد سندی و اعتبار احتجاجی دارد. منظور از مقاصد شریعت به معنی الاخص احکام شرعی است.

۲-۳. بانک

به سازمان و دستگاهی که محل ذخیره پول مردم است و دادوستد آنجا انجام گیرد، «بانک» گفته می‌شود. سازمانی که عملیات آن نقل و انتقال وجوه، صدور بروات، نگهداری سرمایۀ اشخاص و به کار انداختن سرمایه‌های مذکور برای توسعه تجارت، تسهیل عمل مبادلات، دادن اعتبار و قرض به مردم با ربح کمتر از میزان عادی بازار است. واژه بانک، علاوه بر معانی بالا، معنای نوع قمار با ورق را نیز دارد. مطابق تعریف برخی «بانک واسطه‌گری مالی و مؤسسه انتفاعی است که با سرمایۀ خود و سپرده‌های مشتریان، به منظور کسب سود اقدام به وام دادن و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی می‌کند» (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۶).

۲-۴. بنگاهداری

به فعالیت‌های غیرواسطه‌گری مالی بانک‌ها نظیر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری که با مجوز بانک مرکزی صورت می‌گیرد، «بنگاه‌داری بانک‌ها» گفته می‌شود (شریف مقدسی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۷۵). همچنین به تملک نمودن و مشارکت در سهام بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌ها، با هدف تحصیل سود بیشتر و اداره کردن بنگاه‌ها، بنگاهداری بانک‌ها اطلاق می‌گردد.

۳. پیشینه تحقیق

برای موضوع «بنگاهداری در بانکداری اسلامی طبق نظریه مقاصد شریعت» پیشینه‌ای یافت نشد، اما فتاوی فقه‌های امامیه و آثار برخی محققان درباره مقاصد شریعت و بنگاهداری، به صورت ذیل معرفی می‌گردد.

الف) مقاصد شریعت

ابوالقاسم علیدوست در کتاب «فقه و مصلحت» پس از طرح پنج دیدگاه درباره مقاصد شریعت، معتقد است این نظریه به علت مبهم بودن و کلی بودن، در فرایند کشف حکم شرعی واقع نمی‌شود، اما توجه مجتهد به مقاصد شریعت و مصالح مردم، او را در استنباط احکام از منابع کمک می‌کند (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲-۳۸۴).

محمدجواد فاضل لنکرانی در کتاب «گاهی به مقاصد شریعت» به دلیل پیامدها و آثار منفی مقاصد شریعت، این نظریه را در استنباط احکام نپذیرفته و دست دشمنان را در طراحی این شیوه، مشهود می‌داند تا احکام یهودیت و مسیحیت را از طریق مقاصد شریعت و با زبان اسلام بیان نمایند (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۴). در کتاب *الفاتح فی الاصول* نظریه مقاصد شریعت مطرح و فی الجمله مورد پذیرش قرار گرفته و حوزه‌های کاربردی آن به تفصیل بیان شده است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱ق، ص ۲۴۴). حامد فلاحی با تفکیک دیدگاه شیعه و سنی درباره مقاصد شریعت، این نظریه را به صورت غیرمستقل پذیرفته است (فلاحی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۱).

مقاصد شریعت، امری قطعی و مبتنی بر نصوص است. صرفاً به دلیل اینکه برخی روشنفکران یا گروه‌های التقاطی از این مفهوم سوءاستفاده کرده‌اند، نمی‌توان آن را مطرود دانست. توجه به مقاصد شریعت در میان فقه‌های متقدم شیعه دارای سابقه است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۶۹؛ شهید اول، ۱۴۳۵ق، ص ۹۸؛ وحید بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۳۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۹۴؛ ج ۴۱، ص ۲۵۸). برخی از مراجع معاصر نیز همچون امام خمینی (۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۴۵۲؛ ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۵۳ و ۷۲۵) و آیت‌الله سیستانی (۱۴۳۶ق، ص ۶۵۶)؛ در مسائل متعدد فقهی از رویکرد مقاصدی در استنباطات فقهی خود بهره برده‌اند.

ب) بنگاهداری بانک‌ها

مظاهری و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر محدودیت فعالیت غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر کفایت سرمایه آنها در کشورهای درحال توسعه»، آثار مقررات حاکم بر نوع فعالیت‌های غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر عملکرد صنعت بانکداری در کشورهای درحال توسعه را در بازه زمانی سال ۲۰۰۰-۲۰۱۲ بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محدودیت بانک‌ها در حوزه املاک و مستغلات و فعالیت‌های مالی غیربانکی (سهامداری) بر بهبود وضعیت سرمایه‌ای بانک اثر مثبت دارد؛ همچنین افزایش شدت سختگیری در خصوص فعالیت بنگاهداری بانک‌ها، اثر منفی بر نسبت کفایت سرمایه دارد.

مدنی‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان «حقایقی از روابط بین بنگاه و بانک: شواهدی از داده‌های شرکت‌های بورسی در ایران» را انجام دادند. در این پژوهش از اطلاعات شرکت‌های بورسی در خصوص بانک‌های اعتباردهنده‌شان برای بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۳ استفاده شده است. با به‌کارگیری این داده‌ها رابطه بانک و بنگاه تبیین شده و عوامل مؤثر بر شاخص‌های منتخب رابطه بانک و بنگاه (سهم بانک غالب، تعداد بانک‌های اعتباردهنده، شاخص تمرکز، سهم بانک‌های خصوصی، و تعداد سال‌های همکاری با بانک غالب) بررسی شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش، شرکت‌هایی با ریسک نقدینگی کمتر و نسبت‌های مالی مطلوب‌تر، به اعتبارات با کیفیت بهتر و هزینه کمتر دسترسی دارند. تحلیل رگرسیون‌ها نشان می‌دهد که سهم بانک‌های خصوصی در تسهیلات شرکت‌هایی که از نظر نقدینگی در شرایط مناسبی قرار ندارند، بیشتر است.

پورصفر و معصومی‌نیا (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان «تحلیل و بررسی ارتباط بین بنگاهداری بانک‌ها و رشد اقتصادی ایران» انجام داده‌اند. در این پژوهش اطلاعات ۲۰ بانک در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۷ (۱۸ سال) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده تأثیر منفی فعالیت‌های غیربانکی، خصوصاً بنگاهداری بانک‌ها بر رشد اقتصادی ایران را نشان می‌دهد که سبب کاهش رشد اقتصادی شده است.

۴. نظریات ملاکات احکام (تبعیت احکام از مصالح و مفاسد)

تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که از آن در فقه امامیه تعبیر به ملاک‌های احکام می‌شود، از مباحث مهم است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۳۷). در پاسخ این پرسش که آیا احکام از مصالح و مفاسد تبعیت می‌کند یا نه؟ دو نظریه - «نظریه اثبات»؛ یعنی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد منسوب به «عدلیه» و «نظریه انکار»؛ یعنی عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد منسوب به «اشاعره» - وجود دارد.

۴-۱. نظریه انکار

اشاعره و برخی از فقهای شیعه معتقدند نیک چیزی است که شارع، نیک شمارد و زشت چیزی است که شارع، زشت بخواند (عابدی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳). فخر رازی می‌گوید: «علت حسن تکلیف ربوبیت (خداوند) و عبودیت (بندگان) است، نه رعایت مصالح» (فخر رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷).

احکام تابع امر و نهی شرعی هستند و ضرورتی ندارد که تمام اوامر و نواهی، تابع مصالح و مفاسد باشند؛ زیرا در شرع، اوامر و نواهی‌ای هستند که صرفاً تابع اعتبار امر و نهی شارع مقدس بوده و برای آن اعتبار شرعی و غرض و هدفی لحاظ نگردیده است.

۴-۲. نظریه اثبات

عدلیه اعتقاد دارد که در امر خداوند حکیم، مصلحت و در نهی او، مفسده وجود دارد. خداوند افعال را بر اساس غرض، حکمت، فایده و مصلحتی که متوجه مکلفان است و نفثش به مخلوق می‌رسد، انجام می‌دهد (حلی، ۱۹۸۲، ج ۱،

ص ۸۹). کارهای خداوند معلول مصلحت‌ها و حکمت‌هاست، وقتی که شارع ما را به امری ملزم می‌کند واجب است که در امر شارع حکمت و برانگیزاننده‌ای باشد (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۰۵)؛ زیرا «ان الاحکام الشرعیة عندنا معلومة لمصالح واقعیة» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۰).

شهید مطهری می‌گوید:

جزو ضروریات شیعه و اکثر اهل تسنن این است که می‌گویند احکام بر مبنای مصالح و مفاسد واقعی است، و به همین دلیل در سیستم قانون‌گذاری اسلام راهی برای عقل باز شده است؛ یعنی جعل احکامش بر اساس مصالح و مفاسد واقعی و نفس‌الامری است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۹۳).

بنابراین افعال خداوند خالی از حکمت و فایده نیست، در حلال آن مصلحت و در حرام آن مفسده وجود دارد. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، یک مسئله پذیرفته‌شده و از مسلمات مذهب امامیه است؛ بنابراین از نظر دانشمندان شیعه احکام تابع مصالح و مفاسد است و کشف آن دارای چهار مرحله است:

مرحله اول: اثبات حسن و قبح ذاتی و واقعی اشیاست. برخی کارها ذاتاً حسن است مثل عدالت، برخی کارها ذاتاً قبیح است مثل ظلم و عقل به‌طور مستقل حسن و قبح و زشتی آنها را درک می‌کند؛

مرحله دوم: اثبات توان و درک حسن و قبح اشیا و افعال توسط عقل است؛

مرحله سوم: اثبات ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع است. اکثر اصولی‌ها (به جز صاحب فصول) به این ملازمه ملتزم‌اند؛

مرحله چهارم: حجیت مدرکات عقل است؛ یعنی ادراک عقل مبنی بر وجود ملازمه بین حکم (درک) عقل و حکم

شرع حجیت دارد.

۴-۳. رابطه ملاکات احکام با مقاصد شریعت

تفسیر فقه‌های شیعه از مقاصد شریعت با تفسیر فقه‌های اهل تسنن از مقاصد شریعت یکسان نبوده و صرفاً مشترک لفظی است؛ زیرا اعتبار مقاصد شریعت در فقه امامیه بر اساس برابری با ملاکات احکام است؛ یعنی رابطه ملاکات احکام و مقاصد شریعت، رابطه «این همانی» است. دلایل این مدعا عبارت‌اند از:

۴-۳-۱. توحید هسته سخت دین

اساس و جان تمامی معارف حقیقت «توحید» است. معارف الهی، فضایل اخلاقی، تشریع احکام معاملات، عبادات، سیاسات و... همه اینها بر یک حقیقت تکیه دارد و آن حقیقت، زیر بنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می‌دهند بر آن پایه بنا نهاده شده‌اند، و آن حقیقت «توحید حق تعالی» است. این توحید، با همه اجمال، متضمن تمامی تفصیل و جزئیات معانی قرآنی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۰۰). بنابراین کل احکام الهی تفصیل اصل «توحید» و مسائل شرعی تشعشعات همان حقیقت توحیدی است. اگر این اصل شکافته شود، تفصیل احکام و شرایع به‌دست می‌آید و اگر این تفصیل فشرده شود، به همان اصل توحیدی باز می‌گردد.

۲-۳-۴. منظومه احکام شرعی

بین مسائل دینی اعم از فقه، اخلاق، کلام، تفسیر و... هماهنگی و هم‌نگاهی وجود دارد؛ چون خالق و پدیدآورنده عالم، عالم و حکیم است؛ لذا خلق شریعت غیرشبکه‌ای و غیرسیستمی به دلیل ناکارآمدی آن، عقلاً محال است. اعتقاد به غیرسیستمی بودن احکام الهی، حداقل در مقام ثبوت و نفس الامر، نپذیرفتن صفات علم، حکمت و قدرت خالق است. احکام شرعی در باب تجارت بدون توجه و بدون ارتباط به احکام فقهی سایر ابواب نیست. اثبات ارتباط شبکه‌ای بین تمامی گزاره‌های دینی، حداقل در مقام ثبوت و نفس الامر بدون اشکال است. بر اساس همین نظام‌مندی و ارتباط منطقی بین گزاره‌های فقهی، امام خمینی^{۱۳} راه‌های فرار از ربا و حیل ربا را نمی‌پذیرد و آن را با ظلم و ستم ارتباط می‌دهد.

۳-۳-۴. توانایی عقل در کشف ملاکات احکام

اصل وجود مصلحت و مفسده در متعلقات احکام شریعت، مسئله‌ای اتفاقی است، لکن اختلاف در توانایی درک و دسترسی عقل به این ملاکات است. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد:

عقل عاملی است که مناطات احکام را - البته نه در همه‌جا، بلکه در مواردی - کشف می‌کند، در مواردی به ملاکات احکام پی می‌برد و علل احکام را کشف می‌کند... احکام، تابع مصالح و مفاسد واقعی است؛ ... اگر اسلام چیزی را گفته واجب است به این دلیل است که یک مصلحت ملزمه‌ای در کار بوده، و اگر چیزی را گفته حرام است به دلیل یک مفسده بسیار مهمی است. آن مصلحت‌ها و مفسده‌ها به منزله علل احکام‌اند.

اگر در جایی به حکم عقل مصلحت یا مفسده‌ای کشف گردد، اسلام از آن صرف‌نظر نمی‌کند... حتماً بر این اساس فتوا صادر شود؛ چون احکام تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامری هستند و این مصالح و مفاسد هم غالباً در دسترس ادراک عقل بشر است، پس عقل بشر هم می‌تواند خودش قانون اسلام را کشف کند. خداوند دو حجت دارد: حجت ظاهری و حجت باطنی؛ حجت ظاهری پیغمبرانند که عقل خارجی هستند و حجت باطنی عقل است که پیغمبر درونی است، همین برای ما کافی است. این چیزی است که خود اسلام گفته است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۹۹-۳۰۰).

مقصود شهید مطهری این است که ملاکات و مناطات احکام اجتماعی اسلام کلاً از دسترس عقل بشر خارج نیست. البته تمام احکام، خصوصاً احکام عبادی را نمی‌توان با عقل کشف و استخراج نمود.

۴-۳-۴. برگشت مقاصد شریعت به ملاکات احکام

شریعت مقدس و دین الهی دارای اهداف و مقاصد است که آن مصالح و مفاسد، همان ملاکات احکام شرعی است: «أن الحق عندنا الامامية أن الاحکام تابعة للمصالح والمفاسد التي نسميها بملاکات الاحکام» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۳۷).

شریعت یک حقیقت یکپارچه توحیدی دارد و مقاصد شریعت فروع و شاخه‌های آن حقیقت توحیدی است. مقاصد شریعت شاخه‌های خردتر و ریزتر آن اهداف و اغراض مولی است. این اغراض و اهداف با مصالح و مفاسد و ملاکات احکام رابطه «این همانی» مصداقی دارد؛ یعنی مصداق مقاصد شریعت همان مصداق مناطات احکام و ملاکات احکام

است، البته تباین مفهومی دارد؛ بنابراین مصالح و مفاسد همان ملاکات احکام است. از کلام سید مرتضی این وحدت مصلحت و مفسده احکام با اغراض و مقاصد (دواعی) آن فهمیده می‌شود. ایشان در این زمینه فرموده است: «أن علل الشرع مفارقة لعلل العقل، لأنَّ علَّةَ الشرع تتبع الدَّواعی والمصالح» (علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۰). مؤید دیگر برای «این همانی» بودن مصداقی مقاصد شریعت و ملاکات احکام، کلام شهید اول در کتاب القواعد والفوائد است. در این زمینه چنین می‌نویسد: «الوسيلة الرابعة: ما هو وصلة إلى حفظ المقاصد الخمسة، وهي: النفس، والدين، والعقل، والنسب، والمال، التي لم يأت تشريع إلا بحفظها، وهي (الضروریات الخمس)» (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰).

شهید اول برای مقاصد ضروری شریعت پنج مصداق بیان کرده است. معنای آن حرف، وحدت مقاصد شریعت و ملاکات احکام در خارج و مصداق بیرونی است. لذا اگر به مصادیق خارجی مصالح و مفاسد و نیز مقاصد شریعت توجه شود، نسبت تساوی بین مصادیق مصالح شریعت و مقاصد شریعت وجود دارد؛ یعنی همه مصادیق مصالح و مفاسد شرعی، مقصود و هدف شارع است. به عبارت دیگر، جلب همه مصادیق مصالح و ترک همه مصادیق مفاسد، مقصود شارع است. بر اساس این تفسیر، بعدی ندارد که مقاصد شریعت در فرایند استنباط احکام قرار گرفته و سبب کشف و استخراج احکام شود.

۵. کارکردهای مقاصد شریعت در فقه

مقاصد شریعت سه کارکرد دارد: ۱. استنباط احکام شرعی؛ ۲. تقدیم احد المتزاحمین؛ ۳. تشخیص وظایف حاکم شرع (الفاقی فی الاصول، ۱۴۴۱ق، ص ۲۴۳). نمونه بارز استکشاف حکم شرعی، فتوای مغنیه در تفاوت بیع مکره و مضطر است. مطابق مقصد نفی حرج، چنین می‌نویسد:

احکام شریعت بر انسانگری و سخت‌گیری نکردن بنا نهاده شده است و لازمه باطل دانستن بیع مضطری که روزگار او را وادار به فروش اموالش کرده، در تنگنای بیشتر قرار دادن اوست، و این با شریعتی که بنای آن بر تسهیل است، سازگاری ندارد (مغنیه، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۳، ص ۶۹).

ایشان در باب سبق و رمایه تمرکز بر موارد مذکور در شریعت را ناصحیح می‌داند:

حافر، خف نصل و... با توجه به مقاصد شریعت که از آیه ۶۰ سورة انفال (واعدوا لهم ما استطعتم من قوة) به‌دست می‌آید، صرفاً ذکر مورد بوده و خصوصیت در این زمینه ندارند. از آیه به‌دست می‌آید که این آمادگی به امور مربوط به عصر معطوف بوده و این اجتهاد در برابر نص نیست، بلکه اجتهاد صحیح مبتنی بر مقاصد شریعت (معیار سهله و سمحه) و مناطات حکم است (مغنیه، ۱۴۲۱ق - ب، ج ۴، ص ۲۳۳).

صاحب جواهر در مسئله ارش، هنگام اختلاف اهل خبره در قیمت‌گذاری، چنین گفته است: «رأی فقیهان آن است که قیمت‌ها جمع گردد و نسبت‌گیری شود». ایشان در مقام استدلال، به عدالت که از مقاصد شریعت است، استناد می‌کند و می‌گوید: «این نظریه اصحاب با مقتضای عدالت که دربردارنده حق خریدار و فروشنده است، موافق است» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۹۴).

اگر زمینی به صورت طولانی رها و توسط شخص دیگر احیا گردد، گفته‌اند با احیای شخص دوم، حق شخص اول از بین می‌رود؛ زیرا تعطیل کردن و از کار انداختن زمین روا نیست. غرض شارع آبادانی زمین است و زمین در زمره دیگر املاک، مانند کتاب و امثال آن نیست که مالک آنها هر کاری را بخواهد بتواند با آنها انجام دهد (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۱۰).

درباره حرمت معاملات مواد مخدر (تریاک، حشیش، شیشه) نصوصی شرعی وجود ندارد. فقها گفته‌اند این معاملات باطل و این رد و بدل‌های مواد مخدر حرام است. مستند فقها بر این فتوا مقاصد شریعت است؛ زیرا از مقاصد مهم شریعت، محافظت صحت انسان و محافظت صحت جامعه از نظر روانی و روحی است. انتشار این مواد در جامعه، سلامت روحی و روانی جوامع انسانی را از بین می‌برد؛ لذا از این رهگذر فهمیده می‌شود که شارع در این مورد حتماً قانون دارد (الفاقی فی الاصول، ۱۴۴۱ق، ص ۲۴۴).

تمسک به مقاصد شریعت طبق نظریه شمولیت احکام است؛ یعنی شارع در همه جا دستور، فرمان و قانون دارد. پس شارع در این مورد هم قانونی جعل فرموده که با مقصدش هماهنگ باشد. بطلان این معاملات یا حرمت این اعمال یا هر دو قانون شارع است. ممکن است از دلیل لا ضرر هم استفاده شود، اما از راه مقصد شریعت نیز قابل کشف است. بنابراین از طریق مقاصد شریعت می‌توان به حکم شرعی رسید؛ حفظ سلامت روانی انسان و جامعه از مقاصد شریعت است و مصرف مواد مخدر موجب سلب آرامش، امنیت و سلامت روانی افراد و جامعه می‌شود؛ می‌توان نتیجه گرفت معاملات مواد مخدر که به ترویج مصرف آن در جامعه منجر می‌شود، به لحاظ شرعی جایز نیست؛ زیرا حکم شارع در هر واقعه‌ای قطعاً در راستای تحقق مقاصدش می‌باشد.

۶. طبقه‌بندی مقاصد شریعت در فقه امامیه

در اندیشه اهل سنت، مقاصد شریعت از جهت اندازه (اهمیت) مصلحت، به پنج دسته (ضروریات، حاجیات، تحسینیات، کمالات، تعبدیات)، تقسیم می‌گردد (جوینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۹۱۳-۹۳۷). برای مقاصد ضروری پنج مصداق بیان نموده است: حفظ نفس، دین، عقل، نسب و مال. شبیه همین تقسیم‌بندی در آثار برخی از فقهای شیعه نیز دیده می‌شود:

۱. شهید اول در *القواعد و الفوائد* می‌نویسد: «حفظ المقاصد الخمسة، وهی: النفس، والدین، والعقل، والنسب، والمال...» (شهید اول، ۱۴۳۵ق، ص ۹).

شهید اول از یک طرف مقاصد شریعت را پذیرفته و از طرف دیگر، پنج مصداق برای مقاصد ضروری بیان نموده است؛ مفهوم آن پذیرش یک نوع طبقه‌بندی برای مقاصد شریعت است.

۲. فاضل مقداد مقاصد شریعت را این گونه طبقه‌بندی کرده است: «الشرائع کلها لحفظ المقاصد الخمسة، وهی: الدین، والنفس، والمال، والنسب، والعقل التي یجب تقریرها فی کل شریعة...» (فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص ۷).

ابن‌ابی‌جمهور احسائی، سیدعلی طباطبایی و صاحب جواهر عبارات مشابه دارد (احسائی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۴۳۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۸).

انسان موجود اجتماعی است، برای عدم استکاک خواسته‌های نامحدود او در حوزه‌های اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی با دیگر اعضای جامعه و تضییع حقوق دیگران، باید روابط آنها دارای نظم مشخصی باشد. وجود این نظم در روابط اجتماعی از جمله اهداف و مقاصد شریعت اسلام است. از برخی آیات قرآن، روایات و ادله عقلی می‌توان مقاصد شریعت را به مقاصد اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی طبقه‌بندی نمود. این مقاصد را تحت عنوان کلی مقاصد اجتماعی شریعت می‌توان قرار داد.

۱-۶. مقاصد اقتصادی

اصول و قواعد عمومی معاملات و دادوستدها و قوانین خاص مثل حرمت ربا، اسراف، غش و تزویر و... نشان می‌دهد که در امور اقتصادی، خروج از اعتدال و اسراف در منابع مالی و اقتصادی ممنوع، بی‌توجهی به حقوق فقرا و تداول ثروت بین اغنیا مردود است. رعایت عدالت در زندگی فردی و اجتماعی، مبارزه با ظلم و ستمگری در امور اقتصادی سفارش شده است.

آیه ۲۵ سوره حدید، آیه ۹۰ سوره نحل، آیه ۱ سوره طلاق، آیه ۱۳ سوره لقمان، آیه ۳، ۵۸ و ۱۳۵ سوره نساء، آیه ۱۵۲ سوره انعام و آیه ۳۴ سوره توبه، از جمله آیاتی هستند که به مقاصد اقتصادی شریعت اشاره دارند.

در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛ در این آیه دستور می‌دهد که ای مؤمنان به عدالت قیام کنید، حتی اگر مشی بر اساس عدالت به ضرر شما، نزدیکان و یا والدین تان باشد. رعایت عدالت، هدف همه رسالت‌های آسمانی بیان شده است. در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ در این آیه فرستادن پیامبران، کتاب و میزان برای قیام به عدالت بیان شده است.

محقق اردبیلی اهتمام شارع به حفظ مال و جلوگیری از تضییع آن را سند فتوای خویش قرار داده است. به عنوان نمونه، در تطهیر کالاهای نجسی همچون کاغذ و برخی میوه‌ها با آب قليل، فشار دادن کالاهای مزبور را لازم نمی‌داند؛ زیرا این کالاهای بر اثر فشار دادن در هنگام تطهیر از بین می‌روند (محقق اردبیلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۸).

حفظ اموال مردم، رعایت اعتدال، جلوگیری از اسراف، اجرای عدالت، تأمین معیشت مردم، حفظ نظام اقتصادی و عدالت در توزیع امکانات، از دیگر مصادیق خرد و جزئی مقاصد شریعت در امور اقتصادی است.

۲-۶. مقاصد حقوقی

یکی از مقاصد مهم اجتماعی شریعت، مقاصد حقوقی است. مقاصد حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ مال، حفظ نسب، حفظ عقل و کرامت انسانی، اجرای مجازات، حفظ سلامت فرد و جامعه، بیع و معاملات، تأمین منافع عمومی و اجتماعی افراد و جامعه، برخی از مهم‌ترین مقاصد حقوقی شریعت مقدس اسلام است.

به عنوان مثال، خرید و فروش هر آنچه که سبب مفسده و ترویج فساد اخلاقی یا جسمی گردد، مانند آلودگی ها و ناپاکی ها نباید در دایره دادوستد قرار گیرد؛ از این رو قرآن کریم طبیات را حلال و ناپاکی ها را حرام شمرده است (اعراف: ۱۵۷). در سوره بقره آیه ۲۰۵ خداوند درباره حرمت فساد در زمین فرموده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ»؛ در این آیه افساد در زمین و از بین بردن کشت و نسل صریحاً نهی شده است. مقاصد جزئی در این زمینه عبارت اند از:

۱. دفاع از حقوق آحاد جامعه به طور مساوی و بدون تبعیض و جلوگیری از تضییع آن توسط دیگران؛
 ۲. رعایت شخصیت و کرامت انسانی همه افراد جامعه در رسیدگی قضایی؛
 ۳. ایجاد اطمینان بین مردم و رفع نگرانی آنها در مورد احقاق حقوق شان بر اساس حق و عدالت؛
 ۴. پایه گذاری نظام قضایی توانمند برای کشف حقیقت و واقعیت در اختلافات و جرائم با حداقل اشتباه.
- اسلام برای تحقق مقاصد فوق، چنین بیان داشته است: تصدی مقام قضا توسط انسان های عادل صورت گیرد، شهود هنگام شهادت وثاقت و عدالت داشته باشند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۱). جرم در شرایط ویژه با اقرار مجرم و یا قیام بینه اثبات می شود. در موضوعات نیاز به تعدد بینه می باشد، به عنوان نمونه در اثبات زنا سخت گیری بیشتری صورت گرفته و اثبات آن به چهار شاهد نیاز دارد.

۳-۶. مقاصد سیاسی

یکی از مصادیق مقاصد سیاسی شریعت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی است. اقامه حکومت در جامعه اسلامی، از امور لازم و وجوب آن قطعی است. برای اثبات ضرورت تشکیل آن، می توان به ادله قرآنی، روایی و عقلی تمسک کرد. وجوب اطاعت از ولی امر، وجوب اجرای حدود، وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی و احکام مربوط به قضاوت، نشانگر این است که ایجاد حکومت اسلامی در جامعه جزء ضروریات عقلی است؛ چون حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی نظمی امور مسلمانان نزد خداوند امری قبیح است و این امور، جز با استقرار حکومت اسلامی تحقق نمی پذیرد؛ لذا هیچ شک و شبهه ای در وجوب اقامه حکومت باقی نمی ماند. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹).

حفظ امنیت، حفظ وحدت مسلمین، مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفین عالم و... از مقاصد مهم شریعت اسلامی است و در تقسیم بندی اهل سنت نیامده است. از نگاه امام خمینی ره حفظ حکومت اسلامی (جمهوری اسلامی) از واجبات عینی بوده و امور عبادی مثل نماز فرع بر آن است. حفظ نظام اسلامی از جان معصوم ع هم بالاتر است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۶۵).

۴-۶. مقاصد فرهنگی

مؤدت و محبت به اهل بیت طاهرین علیهم السلام و ترویج و گسترش آن، بدون شک یکی از مقاصد فرهنگی شریعت اسلامی

است. آیا زیارت امام حسین (ع) زیارات مشاهد مشرفه، برپایی مجالس عزاداری برای امام حسین (ع) از طرف معصومین (ع) سفارش اکید شده است یا خیر؟

ترویج و گسترش شعائر الهی، شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی، مجالس حسینی و حمایت از مراکز فرهنگی عدل گستر مثل مسجد مقدس جمکران، از مقاصد فرهنگی شریعت اسلام به حساب می‌آید. حفظ عرض و نسب از مقاصد ضروری است. در برابر هجمه‌های فرهنگی و ابتذال دنیای سرمایه‌داری، فقط محبت و مؤدّت به اهل بیت (ع) می‌تواند نهاد بزرگ خانواده را حفظ و از اسارت دنیای لیبرالیستی رهای بخشد. نتیجه مهم آن همان حفظ عرض و آبرو است. این سخن (علی حُبّه جُنّة سیّمُ النَّارِ وَالْجَنّةِ) که منسوب به شافعی است (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۴)، به مسئله اهمیت محبت به اهل بیت (ع) اشاره دارد.

جدول ۱: طبقه‌بندی مقاصد شریعت

انواع مقاصد شریعت	مصادیق
مقاصد اقتصادی	تأمین عدالت، معیشت و رفاه جامعه، حفظ اموال مردم، حفظ نظام اقتصادی، رعایت اعتدال در هزینه‌ها و مصارف و جلوگیری از اسراف
مقاصد حقوقی	حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ مال، حفظ نسب، حفظ عقل و کرامت انسانی، حفظ سلامت فرد و جامعه، بیع و معاملات، تأمین حقوق اجتماعی افراد، تأمین منافع عمومی جامعه
مقاصد سیاسی	حفظ نظام اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، حفظ امنیت، وحدت مسلمین، مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه با اخلال نظام اقتصادی
مقاصد فرهنگی	مؤدّت اهل بیت (ع)، مبارزه با خرافه‌پرستی، حفظ عرض و نسب، شعائر الهی

۷. بررسی وضعیت بنگاهداری بانک‌ها

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که بانک‌ها در عمل به قوانین در راستای کاهش بنگاهداری عملکرد مناسب نداشته و روند موجود در نابسامانی‌های اقتصادی اثرگذار می‌باشد.

پژوهشکده پولی بانکی تحقیقی درباره بازار غیرمتمشکل پولی (شرکت‌های بیمه، لیزینگ، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسه‌های مالی و اعتباری غیربانکی) انجام داده است. حجم دارایی‌های این بازار که اغلب بانک‌های تجاری با آنها شراکت دارند، از حدود ۱٪ در سال ۱۳۸۸ به بیش از ۴٪ در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است، یعنی در ۴ سال دارایی‌هایشان بیش از ۴ برابر شده است. در همین بازه زمانی حجم بانکداری سایه به نسبت تولید ناخالص داخلی نیز از ۴ درصد به ۷۶ درصد رسیده است. می‌توان به این نتیجه رسید که دارایی‌های شبکه بانکی از حدود ۴ برابر تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۸ به حدود ۱۹ برابر تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۲ رسیده است (خندان، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷).

بانک‌ها برای انجام فعالیت‌های بانکی، به شرکت‌های مرتبط نیاز دارند، اما تأسیس و نگهداری شرکت‌های ساختمانی، بازرگانی، تولیدی و فعالیت‌های غیرمرتبط در شرایط آشفته بازار توجیهی ندارد.

نمونه اول؛ بر اساس اطلاعات منتشرشده بیش از ۸۸۲ میلیارد تومان از تسهیلات و تعهدات بانک سامان در اختیار گروه‌های تابعه این بانک قرار گرفته است.

نمونه دوم؛ چهارده شرکت وابسته به بانک پاسارگاد، از بدهکاران کلان این بانک به حساب می‌آید. شرکت «میدکو» تسهیلات و تعهداتی به ارزش بیش از ۷۳ هزار میلیارد تومان از بانک پاسارگاد دریافت کرده که ۶۹ هزار میلیارد تومان آن تسهیلات است. گروه گسترش انرژی پاسارگاد با بیش از ۲۸ هزار میلیارد تومان دومین ابربدهکار وابسته به این بانک است. این بانک خصوصی، ۳۱ شرکت وابسته دارد.

نمونه سوم؛ سهامداران گروه مالی بانک ملت حدود ۶ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان تسهیلات دریافت نموده و در جمع بدهکاران کلان این بانک جای می‌گیرد.

نمونه چهارم؛ بانک ملی مالکیت ۸۲ شرکت (برخی آمارها ۱۶۵ شرکت) را در اختیار خود دارد که فقط ارزش یک شرکت غیربورسی آن بیش از ۱۷ هزار میلیارد تومان اعلام شده است (اسلامی منوچهری، ۱۴۰۱). در جدول ذیل شرکت‌های وابسته برخی بانک‌ها آورده شده است:

جدول ۲: تعداد شرکت‌های وابسته به برخی از بانک‌های ایرانی

بانک	تعداد شرکت	بانک	تعداد شرکت
بانک پاسارگاد	۳۱	بانک مسکن	۲۶
بانک ملی	۲۶	بانک تجارت	۲۱
بانک پارسیان	۱۷	بانک شهر	۱۴
بانک ملت	۱۴	بانک دی	۱۳
بانک اقتصاد نوین	۱۲	بانک صادرات	۱۰
بانک سامان	۹	بانک انصار	۹

روزنامه دنیای اقتصادی، شماره ۵۵۴۷، ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

۸. بنگاهداری بانک‌ها از نظر قانون

مجموعه قوانین ناظر بر مسئله بنگاهداری بانک‌ها، شامل «قانون پولی و بانکی»، «قانون عملیات بانکی بدون ربا»، «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، «قوانین بودجه» و «بخش‌نامه‌های بانک مرکزی» است.

طبق ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی ایران (مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸) عملیات ذیل برای بانک‌هاست:

۱. خریدوفروش کالا به‌منظور تجارت؛

۲. معاملات غیرمنقول جز برای بانک‌هایی که هدف آنها انجام معاملات غیرمنقول است؛

۳. خرید سهام و مشارکت در سرمایه یک یا چند شرکت بیش از آنچه بانک مرکزی تعیین خواهد نمود؛

۴. اعطای اعتبار به اعضای ارکان خود و مؤسساتی که اعضای مزبور در آن ذی‌نفع هستند بیش از آنچه بانک مرکزی تعیین خواهد کرد (پورصفر و معصومی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۸۲۳-۸۴۸).

طبق «دستورالعمل سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری»، موضوع بند (۳) ماده (۳۴) قانون پولی بانکی: بانک‌ها می‌توانند مجموعاً ۴۰٪ از سرمایه پایه خود را به‌صورت مستقیم، بی‌واسطه یا بواسطه سرمایه‌گذاری کنند، البته بانک‌ها نمی‌توانند بیش از ۱۰٪ سرمایه پایه در شرکت‌های بورسی و بیش از ۵٪ سرمایه پایه خود را در شرکت‌های غیربورسی سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها نباید بیش از ۲۰٪ سرمایه آن شرکت باشد و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌های مثل لیزینگ، نباید بیش از ۹۹٪ سرمایه‌گذاری آن شرکت‌ها باشد. میزان سهام بانک‌ها در صرافی‌ها و کارگزاری‌ها نباید از ۴۹٪ تجاوز کند. فعالیت مجاز بانک‌ها در بازار بورس معادل ۳۰٪ سرمایه پایه تعیین شده است.

بر اساس بخش‌نامه شماره ۹۴/۶۲۱۲۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۱ بانک مرکزی، مجموع دارایی‌های ثابت مشهود، نامشهود، اقالام اجاره‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های خریداری‌شده از طریق تسهیلات اجاره به شرط تملیک، وثایق تملیکی و ودایع پرداختی بابت اجاره عملیات دارایی‌های ثابت مشهود به نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام پس از کسر سود قطعی‌نشده و سود انباشته حداکثر ۷۵ درصد است و فراتر از آن تخلف است.

بر اساس مفاد بند «ب» ماده (۱۶) از بخش‌نامه ۹۶/۶۱۲۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۰، کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظف‌اند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا مدت سه سال سهام تحت تملک خود و شرکت‌های تابعه خود را در بنگاه‌های که فعالیت‌های غیربانکی انجام می‌دهند، به‌استثنای طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های تابعه واگذار کنند. طبق بند «پ» این ماده، عاید اموال غیرمنقول مازاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری شامل زمین، مستغلات، سرقفلی و اموال مشابه آن در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸٪ مشمول مالیات می‌شود و پس از آن، هر سال سه واحد درصد به نرخ مذکور اضافه می‌شود تا به ۵۵ درصد برسد.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۵ هفت بند به ماده (۳۴) قانون پولی و مالی کشور افزودند که در بند اول و دوم آن، کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی، پولی و اعتباری از داشتن شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارخانه‌داری، شرکت‌داری و بنگاهداری، و از خریدوفروش سکه، ارز، زمین، مسکن، مغازه و سهام بورس، مگر به‌اندازه مصرف داخلی منع شدند.

۹. آثار و پیامدهای بنگاهداری بانک‌ها

پیامدهای بنگاهداری بانک‌های تجاری بر اقتصاد بسیار مخرب است. برخی از این تأثیرات عبارت‌اند از:

۹-۱. ناتوانی بنگاه‌ها در تأمین سرمایه در گردش از طریق بانک‌ها

اولویت بانک‌ها، اعطای تسهیلات به شرکت‌های تابعه است، در صورت ارائه تسهیلات به دیگر شرکت‌ها، نرخ سود و هزینه این تسهیلات زیاد است و در عمل مشکلی از مشکلات تولیدکنندگان را حل نخواهد کرد (فهیمی، ۱۳۹۳، ص ۶۹).

دلیل تأمین نشدن سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی، علاوه بر پرداخت تسهیلات به شرکت‌های تابعه، پرداخت تسهیلات زیاد به کارمندان‌شان است. بانک‌ها به میزان ۱۶۴ هزار میلیارد تومان به کارمندان خود تسهیلات پرداخت نموده‌اند، اما ۱۴۹ هزار نفر در صف تسهیلات ازدواج و ۲۸۰ هزار نفر نیز منتظر پرداخت تسهیلات فرزندآوری هستند. متقاضیان تسهیلات ازدواج و فرزندآوری به‌مراتب بسیار بیشتر از ارقام اعلامی هستند (روزنامه کیهان، ۱۴۰۳/۰۲/۱۹). در پیمایش‌های آماری و اظهارنظرهای مکرر، عدم دسترسی تولیدکنندگان به نقدینگی لازم از ناحیه بخش بانکی، یکی از محدودیت‌های اساسی بخش تولید عنوان می‌گردد (درگاهی، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

۹.۲. افزایش نقدینگی و ایجاد تورم

میانگین رشد سالانه حجم نقدینگی در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به ترتیب ۲۷/۱ و ۲۷/۴ درصد و برای نیمه اول دهه ۱۳۹۰ حدود ۳۱ درصد بوده است. در همین زمان متوسط نرخ تورم سالانه ۱۷ درصد بوده و دارایی بانک‌ها ۲۸ درصد رشد کرده است. از طرف دیگر تخصیص منابع و اعطای تسهیلات ۳۱ درصد رشد داشته است، اما بخش حقیقی اقتصاد گرفتار چالش منابع و عدم انتفاع از این تخصیص است. مطابق داده‌های بانک مرکزی نسبت سپرده به بدهی بخش غیردولتی در بانک‌های تجاری طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۱ به بیش از ۱۱۰ درصد سپرده‌ها افزایش یافته است؛ یعنی در طی این سال‌ها، بانک‌های تجاری از بانک مرکزی استقراض کرده و تسهیلات پرداخت نموده‌اند. نتیجه اینکه عامل اصلی افزایش نقدینگی، افزایش پایه پولی از کانال بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی اتفاق افتاده است (درگاهی، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

۹.۳. حذف بنگاه‌های خرد و فعالین بخش خصوصی

بانک‌ها در صورتی که وارد فضای بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری مستقیم شوند، نقدینگی موجود در جامعه را جمع‌آوری کرده و در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار می‌دهند. از این نقدینگی شرکت‌های تابعه بانک‌ها بهره‌مند می‌گردند و سایر متقاضیان از این استخر سرمایه بی‌نصيب می‌مانند یا دسترسی آنها همراه با هزینه زیاد همراه شده و کم‌کم به سمت ورشکستگی می‌روند. باز شدن هر فروشگاه زنجیره‌ای و بزرگ در شهر (که اغلب با منابع بانکی انجام می‌شود) مساوی با تعطیل شدن ۳۰ درصد فروشگاه‌های خرد است. بسیاری از مشکلات بنگاه‌های تولیدی، پس از ورود مستقیم بانک‌ها به عرصه اقتصاد به وجود آمده است. بانک‌ها ابتدا وارد بازار املاک شدند و بعد هم بازار لوازم خانگی. با این روش بانک‌ها، جمع کثیری از مردم بیکار می‌شوند (زراعتی، ۱۴۰۲).

۹.۴. افزایش میزان مطالبات معوق بنگاه‌های بانکی

بنگاه‌داری در بلندمدت موجب انجماد دارایی‌های بانک‌ها و ورشکستگی آن خواهد گردید؛ زیرا بانک‌ها به‌واسطه روابط مالکیتی، انگیزه کافی برای اعمال فشار در وصول مطالبات ندارند. این مسئله برای بانک سهامدار و آن بنگاه، زیان‌آور

خواهد بود. در چنین شرایطی بانک تسهیلات دهی به شرکت را ادامه دهد تا از ورشکستگی جلوگیری کند. این پدیده موجب افزایش مطالبات غیرجاری و انجماد دارایی‌های بانک‌ها می‌گردد. طبق آمارهای رسمی بانک مرکزی، مجموع ارزش تسهیلات کلان غیرجاری شبکه بانکی در سال ۱۴۰۲، حدود ۶۴۵ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم حدود ۶۰ درصد پایه پولی کشور را تشکیل می‌دهد (روزنامه کیهان، ۱۴۰۳/۰۲/۱۹).

۹-۵. سرمایه‌گذاری‌های غیربهرینه

یکی از آثار منفی ورود بانک‌ها به بنگاهداری، تزریق غیربهرینه منابع به بنگاه‌هایی است که بانک‌ها سهامدار آنها هستند. در گزارش تفریغ بودجه سال ۹۶ چنین آمده است: «یک میلیارد و ۸۹ میلیون درهم و ۱۳ میلیون یورو از تسهیلات ارزی بانک مسکن به دلیل عدم اعتبارسنجی و عدم اخذ وثایق و تضامین کافی تماماً به سرفصل مشکوک‌الوصول منتقل شده است». بانک سپه در سال ۹۶ اقدام به صدور ۱۷۷ فقره ضمانت‌نامه به ارزش هزار و ۲۶۴ میلیارد تومان بدون انعقاد قرارداد نموده و برای ۱۱۸ میلیارد تومان آن وثیقه دریافت کرده است. مسئله مهم‌تر این است که سهم بخش‌های مولد همچون صنعت و معدن، مسکن و ساختمان و کشاورزی از تسهیلات بانکی تغییر عمده‌ای نداشته و سهم بخش خدمات و بازرگانی از تسهیلات بانکی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است (اسلامی منوچهری، ۱۴۰۳/۰۳/۰۸).

۹-۶. تأثیر منفی بنگاهداری بر رشد اقتصادی

بانک‌ها برای سرپا نگه داشتن شرکت‌های زیرمجموعه خود بدون اعتبارسنجی دقیق، تسهیلات و خدمات ارائه کرده و وثایق و تضامین معتبری اخذ نمی‌کنند. نتیجه چنین بی‌تفاوتی‌ها در حوزه تسهیلات این است که بخشی بزرگ از منابع مالی صرف بنگاه‌ها و شرکت‌های شود که در رشد اقتصاد نه تنها اثر مثبت نداشته، بلکه دارای اثر منفی خواهند بود.

بررسی یک تحقیق در زمینه فعالیت بانک‌ها در امور غیربانکی و ورود به بنگاهداری نشان می‌دهد که بنگاهداری بانک‌ها تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. کارشناسان اقتصادی متفق‌القول‌اند که بنگاهداری موجب غفلت آنها در امر تسهیل و تأمین مالی تولید و تجارت شده است، و در اثر هرچومرج در تسهیلات نظام بانکی، نظام اقتصادی کشور نیز دچار آسیب جدی گردیده است. اگر بانک‌ها در حوزه‌های بنگاهداری و شرکت‌داری کمتر ورود کنند، قطعاً در حوزه تولید می‌توانند عملکرد بهتری داشته باشند و نتیجه آن نیز رشد و رونق اقتصادی خواهد بود (صفرپور و معصومی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۸۲۳-۸۴۸).

۱۰. بررسی مشروعیت بنگاهداری بانک‌ها

۱۰-۱. اطلاعات و عموماً

اکثر فقهای متأخر شیعه اعتقاد دارند که هنگام شک، مقتضای اطلاعات و عموماً کتاب و سنت صحت معاملات است تا زمانی که دلیل خاص و یا عام بر بطلان معامله نباشد. آثار معامله بر آن مترتب و بر طرفین لازم‌الوفاء می‌باشد و فرقی بین معاملات قدیم و جدید نیست.

خداوند در سوره مائده آیه ۱ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ». در این آیه واژه «عقد» جمع محلی به (ال) است، لذا تمامی عهدها، پیمان‌ها، قراردادهای و معاملات را شامل می‌شود. پابندی به هر چیزی که عرف آن را عقد می‌گویند واجب است. گفته‌اند این کامل‌ترین اطلاقی است که در مقام وارد شده است (حسینی حائری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۰۸). آیه به دلالت مطابقی از مؤمنان می‌خواهد که به مقتضای هر آنچه عرفاً عقد نامیده می‌شود، وفا کنند و به آن ترتیب اثر دهند، و به دلالت التزامی بر صحت هر عقد عرفی دلالت دارد؛ زیرا امر به ترتب اثر، مستلزم صحت معامله است و خداوند هیچ‌وقت به معامله‌ای فاسد امر به وفا و ترتب اثر نمی‌کند (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۸).

مطابق این آیه شریفه معاملات بانک‌ها مثل معاملات سایر افراد حقیقی در حوزه‌های مختلف دارای صحت و لزوم است؛ یعنی بانک‌ها می‌توانند در حوزه مسکن، تجارت، ارز و سایر حوزه‌ها با افراد حقیقی و یا حقوقی معاملات را با رعایت شرایط آن انجام دهند و مطابق این آیه و سایر ادله صحت معاملات، ورود بانک‌ها اعم از دولتی و خصوصی به فعالیت‌های غیربانکی هیچ اشکالی ندارد. تنها اشکال آن منع قانونی است. مستفاد از فتوای حضرت امام (ع) حرمت تکلیفی دارد و عدم بطلان معاملات است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱۰، ص ۵۵۲، سؤال ۱۲۳۷۷).

علاوه بر آیه اول سوره مائده، ادله دیگری نیز بر صحت و لزوم معاملات دلالت دارند که در این زمینه می‌توان به آیه تجارت (نساء: ۲۹)، حدیث «المسلمون والمؤمنون عند شروطهم»، «الناس مسلطون علی اموالهم» و سیره شارع و متشرعه در باب معاملات اشاره کرد. از نظر فقه اسلام، تمام معاملات عقلایی در هر عصر و زمانی صحیح است، مگر اینکه از معامله‌ای به صورت خاص یا در ضمن دلیل عام نهی شده باشد.

صحت و لزوم معاملات بانک‌ها در حوزه‌های غیربانکی به مقتضای اطلاعات و عمومات کتاب و سنت صحیح است، اما سؤال این است که آیا دلیل خاصی وجود دارد که بانک‌ها را از معاملات در حوزه‌های غیربانکی منع کند؟ آیا شرعاً می‌توان بانک‌ها را از ورود به حوزه‌های که منع قانونی وجود دارد، منع کرد؟

۲-۱۰. مقاصد شریعت

کارکرد سندی مقاصد شریعت از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین کارکرد آن است. حجیت مقاصد شریعت در فقه شیعه به عنوان مناهات احکام اگر به نحو مطلق نباشد، به صورت موجبه جزئیه (فی الجمله در برخی ابواب فقهی) با فرض احراز اناطه احکام، مورد پذیرش است. با توجه به نمونه‌های از فتاوی فقهای شیعه در به کارگیری مقاصد شریعت در کشف احکام و بیان فتوا، مانند نجفی (۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۹۴)، مغینه (۱۴۲۱ق الف، ج ۳، ص ۶۹؛ ۱۴۲۱ق ب، ج ۴، ص ۲۳۳)، خوئی (۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۱۰)، امام راحل (ع) (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۵۳ و ۷۲۵)، استبعادی ندارد که مقاصد شریعت در استنباط احکام و استخراج فتوا به کار گرفته شود.

با توجه به ماهیت بانک، الزامات قانونی، آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی که در اثر بنگاهداری بانک‌ها متوجه اقتصاد و معیشت مردم می‌گردد، این نتیجه حاصل می‌شود که جواز اولیه و صحت معاملات بانک‌ها در حوزه‌های

غیربانکی بر اساس قواعد عمومی معاملات، حکم واقعی نبوده و بنگاهداری بانک‌ها را باید با شاخص‌ها و ممنوعیت‌های مستخرج از مقاصد شریعت مورد سنجش قرار داد؛ یعنی پیامدهای منفی بنگاهداری بانک‌ها با نگاه سندانگراانه مقاصد شریعت بررسی گردد تا معلوم شود که آیا بنگاهداری بانک‌ها بر اساس مقتضای اطلاعات و عموماً کتاب و سنت صحیح است (جدای از تصریح قانون) و یا اینکه با نگاه اعتبار احتجاجی مقاصد شریعت، حکم در اینجا تفاوت کرده و بنگاهداری بانک‌ها ممنوع می‌باشد؟

۱-۲-۱. تحلیل ممنوعیت بنگاهداری بانک‌ها با معیار مقاصد شریعت

تولیدکنندگان در تأمین سرمایه در گردش شرکت‌های تولیدی خود دچار مشکل‌اند و بانک‌ها در این خصوص همکاری نمی‌کنند (درگاهی، ۱۳۸۹، ص ۶۲)؛ زیرا ارائه تسهیلات به شرکت‌های تابعه اولویت دارد. با تأمین نشدن سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی؛ اولاً بنگاه‌های مزبور تعطیل و کارگران آن بیکار خواهند شد، اقتصاد خانواده و اقتصاد کلان لطمه می‌بیند، جوانان تحصیل کرده بیکار به مهاجرت رومی‌آوردند (فرار مغزها) یا به شغل‌های کاذب و یا شغل‌های خلاف روی آورده و آمار بزهکاری را بالا می‌برند؛ ثانیاً کارگاه‌ها و بنگاه‌های تولیدی به دلیل عدم تولید کالا و محصول، در بازپرداخت اقساط وام‌ها و یا آورده سرمایه‌گذاران و سهام‌داران دچار مشکل می‌شوند و بانک‌ها این شرکت‌ها را به قیمت‌های غیرواقعی تصاحب و به دلیل ناتوانی در مدیریت تولید، کارخانه مزبور تعطیل می‌گردد. تعطیلی کارخانه‌ها موجب افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود، تقاضای ارز و عرضه پول ملی افزایش و ارزش پول ملی کاهش می‌یابد.

ارائه تسهیلات به شرکت‌های تابعه، بالا بودن هزینه تسهیلات و پرداخت تسهیلات غیرمتعارف به کارمندان، با شاخص و معیار عدالت اقتصادی ناسازگار است. عدالت اقتصادی از مصادیق مقاصد شریعت به حساب می‌آید. تلازم بین حکم عقل و شرع، ضد فعالیت‌های ناسازگار با عدالت اقتصادی است. تعطیلی بنگاه‌های خرد (توسط شرکت‌های زنجیره‌ای با تسهیلات بانکی)، افزایش بیکاری، کاهش اشتغال، کاهش تولیدات و افزایش وابستگی به دیگران را در پی دارد.

تمرکز تسهیلات به یک بخش خاص، زیان‌ده شدن بنگاه‌ها، وجود ناترازی و انجماد نقدینگی داخل سیستم، از دیگر مشکلات بنگاهداری است که با اهداف و مقصد شریعت اسلامی و اهداف نظام اقتصادی جامعه اسلامی ناسازگار است. افزایش ریسک در نظام بانکی از پیامدهای ورود بانک‌ها به بنگاهداری است. این کار سبب می‌شود که حجم عظیمی از نقدینگی جامعه در بخش‌های خاصی، مثل بخش مسکن، ارز، خودرو و... سرمایه‌گذاری شود. چنین رفتاری در نظام بانکی خطر ورشکستگی و ناتوانی در پاسخگویی به نیاز مشتریان را افزایش می‌دهد. چنین وضعیتی در نظام بانکی می‌تواند بحران ملی ایجاد کرده، حتی نظام سیاسی را با خطر مواجه سازد. بر اساس محتوای جدول طبقه‌بندی مقاصد شریعت، حفظ نظام، تشکیل نظام، امنیت اقتصادی از مصادیق مهم مقاصد شریعت و ملاکات احکام است.

حفظ نظام اسلامی از انواع خطرات و بحران‌ها در هر زمانی به شکل متناسب آن زمان تبلور یافته است. در برهه‌ای از زمان «حفظ مرزهای جامعه اسلامی» در اولویت رهبران جامعه بوده است (نائینی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰). پس

از تشکیل حکومت اسلامی و نظام اسلامی شیعی در ایران، «حفظ حکومت اسلامی» از اوجب واجبات شمرده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۴۱۴).

اخلال در نظام بانکی و نظام اقتصادی می‌تواند سبب بروز فقر، بی‌عدالتی، مشکلات معیشتی و بروز نارضایتی مردم گردد. اگر مردم از نظام سیاسی فاصله بگیرند و از نظام و برنامه‌های سیاسی (انتخابات، دفاع) و اقتصادی آن حمایت نکنند، حفظ نظام، ثبات و پایداری آن دچار مشکل می‌شود. این امور خلاف مقاصد شریعت بوده و باید از آن جلوگیری به عمل آید. اگر بنگاهداری بانک‌ها می‌تواند چنین وضعیتی را سبب شود، به فرموده رهبر معظم انقلاب (عج): «بانک‌ها غلط می‌کنند که بنگاهداری کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷). اینکه بانک‌ها در یک رقابت نابرابر، منابع مالی فراوانی را در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار می‌دهند و با تبلیغات فریبنده و دروغ سبب نابودی و تعطیلی مغازه‌های خرده‌فروشی محله‌ها می‌شوند، به‌طور آشکار ظلم می‌کنند و این بر خلاف عدالت است. مقام معظم رهبری (عج) درباره عدالت می‌فرماید:

فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نائل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقاد راسخ و عملی و پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوت ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۵۴).

تأکید اسلام بر تحقق عدالت و نهی از ظلم برای این است که نیازهای همه آحاد جامعه تأمین گردد، منبعی شرافتمندانه برای درآمد همه اقشار جامعه وجود داشته باشد، درآمد و ثروت به‌صورت عادلانه توزیع گردد و در این فرایند ثبات و پایداری در نظام اقتصادی جامعه اسلامی رشد کند، اما بانک‌ها با ورود به بنگاهداری، از منابع مالی بانک‌ها در شرایط نابرابر استفاده می‌کنند. بانک‌ها به کارمندان خود که شغل ثابت و دهها امتیاز دارند، به‌طور متوسط به هر کارمند ۷۷۸ میلیون وام داده‌اند؛ درحالی‌که وام‌های ازدواج، وام‌های فرزندآوری و خوداشتغالی پرداخت نگردیده است. در آموزه‌های اسلام محصور کردن منابع در دست افراد اندکی جواز ندارد، برعکس بر توزیع عادلانه درآمد و ثروت تأکید شده است: «کی لا یكونَ دُولَةً بَیْنَ الْأَغْنِیَاءِ مِنْكُمْ». تأکید اسلام بر توزیع عادلانه ثروت به حدی می‌رسد که در صدر اسلام برخی از اصحاب و مسلمانان گمان کردند تساوی در ثروت، امر مهم در جامعه اسلامی است (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

تبیین جایگاه واقعی مقاصد شریعت و به‌کارگیری آن در فرایند استنباط و پذیرش اعتبار احتجاجی و سندنگاری آن به تعریف صحیح از آن بستگی دارد. با توجه به شناسایی مصادیق مقاصد شریعت در آیات و روایات و نیز فتوای برخی از فقهای شیعه، تعریف سازگار با مبانی کلامی و اصولی شیعه از مقاصد شریعت این است: «مقاصد شریعت همان

ملاکات احکام است که به‌منظور تأمین مصالح دنیوی و اخروی بندگان تشریع شده و در فرایند استنباط احکام کارکرد سندی و اعتبار احتجاجی دارد».

بنگاهداری بانک‌ها سبب می‌شود که حجم عظیمی از نقدینگی جامعه در بخش‌های خاصی مثل بخش مسکن، ارز و خودرو سرمایه‌گذاری شود. این عمل می‌تواند حتی نظام سیاسی را با خطر مواجه سازد؛ درحالی‌که بر اساس طبقه‌بندی مقاصد شریعت، حفظ نظام، تشکیل نظام و امنیت اقتصادی از مصادیق مقاصد شریعت و ملاکات احکام است. بنابراین بنگاهداری در بانکداری اسلامی مخالف مقاصد اقتصادی (اجرای عدالت، ضرورت تأمین معیشت و رفاه جامعه، حفظ نظام اقتصادی)، مقاصد حقوقی (ضرورت تأمین حقوق اجتماعی افراد و ضرورت تأمین منافع عمومی جامعه اسلامی)، مقاصد سیاسی (مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه با اخلاک‌گران اقتصادی) و مقاصد اجتماعی (رعایت حقوق ضعیفان) نظام مجتمع اسلامی است.

ممکن است بنگاهداری بانک‌ها طبق عمومات ادله معاملات صحیح باشد، اما بر اساس ملاکات موجود در نظریه مقاصد شریعت، می‌توان بنگاهداری را با اشکال شرعی مواجه دانست: اولاً ورود بانک‌ها به بنگاهداری و اعطای تسهیلات به زیرمجموعه‌های شان خلاف عدالت است؛ ثانیاً بنگاهداری می‌تواند بر نظام اقتصادی اثر گذاشته و نظام سیاسی را با خطر مواجه سازد؛ ثالثاً تشکیل نظام، حفظ و استمرار آن از مقاصد شریعت است، و هر رفتار و عمل اقتصادی و سیاسی که نظام سیاسی اسلامی را با چالش‌های اساسی مواجه سازد، ممنوع بوده و باید از آن جلوگیری به عمل آید. یکی از همان رفتارهای ممنوعه، بنگاهداری بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی است که باید به‌طور صحیح مدیریت شود.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
- احسائی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- اسلامی منوچهری، حمید (۱۴۰۱)، هزارتوی شرکت های زیرمجموعه بانک ها. *روزنامه دنیای اقتصاد*. شماره ۵۴۶۲. ۹ خرداد ۱۴۰۱
<https://donya-e-eqtasad.com>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع کارکنان دولت. ۷ شهریور ۱۳۹۷. <https://khl.ink/f/40399>
- پورصفر، زینب و معصومی نیا، علی (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی ارتباط بین بنگاهداری بانک ها و رشد اقتصادی ایران. *جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۵(۷)، ۸۴۸-۸۳۳.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۸). فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر). *اندیشه تقریب*، ۵(۱۸)، ۴۴-۱۱.
- جوینی، عبدالملک (۱۴۱۸ق). *البرهان فی اصول الفقه*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- چپرا، محمدعمر (۱۳۸۵). *اسلام و چالش های اقتصادی*. ترجمه سیدحسین میرمعزی، علی اصغر هادوی نیا، احمدعلی یوسفی و ناصر جهانیان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
- حسینی، اسماعیل (۱۴۱۶ق). *نظریه المقاصد عند الامام محمد الطاهر العاشر*. هیرنده (آمریکا): المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- حسینی حائری، سیدکاظم (۱۴۰۱ق). *فقه العقود*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۳۶ق). *تعارض الادله و اختلاف الحدیث*. مقرر: سیدهاشم الهاشمی. بی جا: بی نا.
- حسینی خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۶). *حدیث ولایت*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حلی (فاضل مقداد) جمال الدین سیوری (۱۴۰۳ق). *نقد القواعد الفقهیه علی مذهب الإمامیه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حلی (فاضل مقداد) جمال الدین سیوری (۱۴۰۴ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: جامعه مدرسین.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م). *نهج الحق و کشف الصدق*. بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- خندان، عباس (۱۳۹۸). *اقتصاد غیررسمی در ایران، اندازه و بررسی علل و آثار*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. قم: مؤسسه الفقاهه.
- درگاهی، حسن (۱۳۹۸). *تحلیلی بر اقتصاد کلان و آینده نگری رشد اقتصادی ایران*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- دیانتی زاده، محمدعلی (۱۳۹۳). آغاز خروج بانک ها از بنگاهداری در بورس: دلایل، مضرات و بازدارنده های بنگاهداری بانک ها. *بازار و سرمایه*، ۵(۵۴ و ۵۵)، ۱۰۴-۱۰۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق: دار العلم.
- ریسونی، احمد (۱۴۱۶ق). *نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی*. بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- زراعتی، فرزانه (۱۴۰۲). رقابت نابرابر فروشگاه های بزرگ با مشاغل خرد. ۳۰ آذر ۱۴۰۲. کد خبر: ۹۴۸۰۷۲. قدس آنلاین: <https://qudsonline.ir/xb4Sr>

سبحانی، حسن و درودیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۶ (۴)، ۴۳-۵۰.

سوری، داود. نگاه‌داری بانک‌ها: دعوا بر سر هیچ. روزنامه دنیای اقتصاد. ۹ مهر ۱۴۰۲. شماره ۵۸۳۶. آدرس سایت: <https://donya-e-eqtesad.com>

شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها اصلی‌ترین دریافت‌کنندگان تسهیلات کلان. *روزنامه کیهان*، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳: <https://kayhan.ir/001CrI>

شریف مقدسی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۶). سرمایه‌گذاری بانک و ارتباط غیرخطی آن با سلامت بانک در شرایط سرکوب مالی. *پژوهش‌های پولی بانکی*، ۱۰ (۳۳)، ۳۵۳-۳۸۲.

طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: اسلامی.

عابدی، احمد (۱۳۷۶). *مصلحت در فقه*. نقد و نظر، ۳ (۴)، ۱۶۶-۱۷۷.

عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۳۵ق). *موسوعة الشهيد الاوّل (القواعد و الفوائد)*. قم: مرکز عالی للعلوم و الثقافة الاسلامیة.

علم‌الهدی، سید مرتضی (۱۳۷۶). *الذریعة إلى أصول الشریعة*. تهران: دانشگاه تهران.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و مصلحت*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاسی، علال (۱۹۹۳م). *مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها*. بیروت: دار الغرب الاسلامی.

فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۰۲). *نگاهی به مقاصد الشریعة*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج).

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۵ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار الفکر.

فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. تصحیح سیدحسین موسوی کرمانی، علی‌پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی. قم: اسماعیلیان.

فلاحتی، حامد (۱۴۰۱). *رہقافتی نو به مقاصد شریعت در استنباط فقهی*. مشهد مقدس: حوزه علمیه خراسان رضوی.

فهمی، حمید (۱۳۹۳). *تبعات نگاه‌داری بانک‌ها. بازار و سرمایه*، ۵ (۵۸ و ۵۹)، ۶۹-۷۰.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *ینابیع المودة لنوی القربی*. تهران: اسوه.

کریمی، رضا و دیگران (۱۳۹۹). *شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده نگاه‌داری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن*. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰ (۱)، ۳۷۷-۴۱۰.

لجنة الفقه المعاصر (۱۴۴۱ق). *الفائقی فی الاصول*. قم: مرکز ادارة الحوزات العلمیة.

مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۰). *پول و بانکداری و نهادهای مالی*. تهران: پژوهشکده پولی و مالی.

محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۹ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: جامعه مدرسین.

مدنی‌زاده، سیدعلی، ابراهیمی، سجاد و محمودزاده، امین (۱۳۹۶). *حقایقی از روابط بین نگاه و بانک: شواهدی از داده‌های شرکت‌های*

بورسی در ایران. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۲ (۱۳۹)، ۳-۳۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

مظاهری، طهماسب، شیرکوند، سعید و جمالی، علی (۱۳۹۷). *تأثیر محدودیت فعالیت غیربانکی و نگاه‌داری بانک‌ها بر کفایت سرمایه*

آنها در کشورهای در حال توسعه. *پژوهش‌های پولی - بانکی*، ۱۱ (۳۷)، ۳۵۵-۳۸۲.

مغینه، محمدجواد (۱۴۲۱ق الف). *الفقه على مذاهب الخمسة*. بيروت: دار التیار.

مغینه، محمدجواد (۱۴۲۱ق ب). *فقه الإمام الصادق* ﷺ. قم: انصاریان.

موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). *استفتائات (مسائل مستحذیه)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.

نائینی، محمدحسین (۱۴۰۳ق). *تنبيه الامه و تنزيه الملة*. ترجمه سیدجواد اورعی. قم: بوستان کتاب.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الكلام*. بيروت: دار الاحیاء التراث العربی.

وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۹ق). *الرسائل الفقهیه (رسالة فی حکم متعة الصغیرة)*. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.